

بررسی آسیب اجتماعی و پیامدهای فرهنگی بر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد زابل

سمیه نفعی^۱، رضا ایمانخواه^۲، رابعه نفعی^۳ و مرضیه نیک^۴

^۱ (استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زابل، دانشگاه آزاد اسلامی، زابل، ایران) (Drkhaei@iauzabool.ac.ir)

۳۹۲۹-۳۰۰۰-۰۰۰۰

^۲ (نویسنده مسوول) دکتری روانشناسی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات درمانی زابل، زابل، ایران

^۳ دانشجو کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زابل، دانشگاه آزاد اسلامی، زابل، ایران

^۴ دانشجو کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زابل، دانشگاه آزاد اسلامی، زابل، ایران

چکیده

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در جامعه‌اند و زندگی اجتماعی آنان به دلیل نبودن یا ضعف سرپرستی مرد با چالش‌هایی روبه‌روست. زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیری هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد همسر، از کارافتادگی همسر و رها شدن توسط مردان مهاجریابی مبالغه‌آمیز، موجب آسیب‌پذیری این طیف وسیع از جامعه، می‌شود. زنانی که به دلایل مختلف همسرشان را از دست می‌دهند و یا از همسرشان جدا می‌شوند به یکباره با جهان دیگری روبرو می‌شوند. روش تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش پژوهش توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر مردد جوانان کمیته امداد زابل شامل ۱۴۰۰ نفر مردد جوان می‌باشد که حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۴۶ نفر برآورد گردید که نمونه‌گیری از طریق روش خوشه‌ای صورت گرفت. نتایج نشان می‌دهد پیامدهای فرهنگی، ۲۲/۸ درصد تغییرات آسیب اجتماعی ۴/۸ درصد تغییرات را پیش‌بینی می‌کنند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح احتمال ۰/۰۵ معنادار است.

کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، زنان، پیامد فرهنگی، سرپرست، خانوار

مقدمه

امروزه توجه به زنان به عنوان یک گروه مشخص و تشخیص در خانواده و جامعه نه به عنوان یک نیاز مطرح می باشد. پذیرفتن این امر که زنان گروهی پویا، پرتحرک و با انگیزه های فراوان می باشند. می تواند در مشارکت آنان در تصمیم گیری ها و سرنوشت شان (که به سرنوشت کل جامعه گره خورده است) بسیار موثر افتد. دیگر این نظریه که زنان از انگیزه پیشرفت کمتری نسبت به مردان برخوردارند، نمی تواند دستاویز درستی برای در حاشیه قراردادن زنان قلمداد گردد و باید پذیرفت جامعه ای که به نیرو و توانمندی های نیمی از جمعیت خود بی توجه باشد، علاوه بر اینکه به ایجاد زمینه های لازم برای رشد معنوی و فرهنگی آنان پشت کرده، به یکی از موارد اساسی در زمینه پیشرفت و تعالی نیز بی اعتنا بوده است (محمدی، ۱۳۸۵).

یکی از گروه های اجتماعی عمده که همواره برنامه ریزان و نهادهای حمایتی، شرایط رفاهی یا کیفیت زندگی آنها را بررسی کرده اند، زنان سرپرست خانوار است؛ زنانی که به دلایلی شوهر ندارند یا در صورت حضور شوهر، به دلایلی خود سرپرستی و مدیریت اقتصادی و اجتماعی و عاطفی خانواده را بر عهده دارند و در اصطلاح خانواده آنها زن سرپرست نامیده می شود. «خانواده های زن سرپرست، امروزه جایگاه خاصی در ادبیات جنسیت، توسعه و برنامه ریزی اشغال کرده است. لزوم توجه به نیازهای آنان به صورت یکی از اصول بنیادین برنامه ریزی جنسیتی در آمده است» (وارلی، ۱۹۹۵: ۵۰۵) آنان به یکی از دلایل فوت شوهر، طلاق، اعتیاد شوهر، ترک منزل از سوی مرد، مهاجرت مرد برای کار به مکانی دیگر یا بیماری و از کار افتادگی او، خودشان سرپرستی خانواده شان را بر عهده گرفته اند (دیتا^۲ و مسلوین^۳، ۲۰۰۰: ۴۱). زنان سرپرست خانوار از جمله گروه های آسیب پذیری هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد همسر، از کار افتادگی همسر و رها شدن توسط مردان مهاجریابی مبالغه، موجب آسیب پذیری این طیف وسیع از جامعه، می شود. زنانی که به دلایل مختلف همسرشان را از دست می دهند و یا از همسرشان جدا می شوند به یکباره با جهان دیگری روبرو می شوند. دنیایی که بسیاری از مختصات آن نا آشنا است. دشواریهایی که این زنان تاب می آورند عمدتاً به دغدغه های معیشتی عاطفی، و سواس های فکری، حاشیه های ناخواسته از برخورد نامناسب اطرافیان و... مربوط می شود. در هر حال این گروه از زنان به عنوان زنان مطلقه یا بیوه در جامعه شناخته می شوند. که با مسائل، مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجهند. زن سرپرست خانوار، زنی است که عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد و یا از کار افتادگی همسر یا پدر، رها شدن توسط مردان مهاجر یا بی-مبالغه، موجب سرپرستی آن-ها بر خانواده شده است (غفاری، ۲۰۰۳). داده های آماری در ایران از روند افزایش یابنده تعداد و نسبت زنان سرپرست خانوار در دهه اخیر خبر می-دهد. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعداد خانوارهای با سرپرستی زن، بیش از دو میلیون و پانصد و شصت و سه هزار خانوار می-باشد. در واقع سهم زنان از سرپرستی خانوارها در سال ۱۳۹۰ (۱۲/۱) درصد بوده است که رشد قابل ملاحظه ای را نسبت به سایر دوره های سرشماری نشان می-دهد (گزیده سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران). اما چنین به نظر می-رسد که زندگی زنان- پس از ترک مرد خانواده غالباً با مشکلاتی روبروست. از جمله آن می-توان علاوه بر سختی روبرویی با مسائل اقتصادی که این گروه از زنان برای مقابله با آن تربیت و توانمند نشده-اند به زندگی در تنهایی، همراه با افسردگی و نا-امیدی که بیشتر ناشی از نگرش منفی جامعه نسبت به زنان تنها، مطلقه و بیوه است اشاره نمود. روابط اجتماعی این گروه از زنان در فقدان حضور همسر در خانواده خدشه-دار شده و مشکلات بسیاری را برای آن-ها به همراه آورده است. ایفای نقش-های چند-گانه-ای که گاه در تعارض با یکدیگر نیز تعریف می-شوند سبب خستگی جسمی و روحی آن-ها می-شود. فقر، ناتوانی، بی-قدرتی به-ویژه در اداره امور اقتصادی خانواده، عزت-نفس و سلامت روانی آنان را مختل و زمینه ابتلا به افسردگی و سایر اختلالات روانی را فراهم می-سازد (نازکتابار، ۱۳۷۸؛ لانگ لی^۴ و فورتین^۵، ۱۹۹۴). مطالعات و تحقیقات مختلفی نشان داده است که در مرحله اول، فقر اقتصادی است که سبب عدم رفاه ذهنی و نارضایتی این گروه از

1. Varley

2. Datta

3. McIlwaine

4. Langly

5. Fortine

زندگی می‌شود (دغاقله و کلهر، ۱۳۸۹: ۲۶۵). برای مثال در پژوهش فروغی تنها ۶ درصد، نورمحمدی تنها ۱۳ درصد و شکاری آلیق تنها ۱ درصد از این زنان از درآمد خود رضایت داشتند و بقیه معتقد بودند که درآمد شغلی - جوابگوی نیازهای زندگی آن‌ها نمی‌باشد (فروغی ۱۳۸۰، نورمحمدی ۱۳۸۳ و شکاری آلیق ۱۳۸۴). اما بدنبال مسائل مالی و نارضایتی از آن، این مشکلات روانی است که دامن‌گیر ذهن آن‌ها شده و فرصت تحول و تغییر را در زندگی از آن‌ها می‌رباید. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که این مشکلات مادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار است که سبب استرس، اضطراب و افسردگی بیش‌تر آن‌ها نسبت به دیگر زنان می‌شود (سیمونز؛ ۱۹۹۴). در کل بیکاری و فشارهای اقتصادی، سلامت جسمانی کم، حمایت اجتماعی پایین و عملکرد ضعیف نقشی ناشی از تعارض نقش‌ها و همچنین غرق شدن در فعالیت‌های روزمره ی زندگی، این گروه از زنان را از خود غافل و کیفیت و رضایت زندگی را در آن‌ها کاهش و در مقابل افسردگی و ناشادی را افزایش می‌دهد (صدرالساداتی، ۱۳۹۱؛ طهماسیان و اناری، ۱۳۹۰؛ شعبان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲). واکاوی فهم زنان از آسیب‌ها و مسائل خانواده و درک معانی ذهنی آنها از این موضوع و مسائلی که از نظر آنها در خانواده، آسیب‌زا و چالش‌آفرین است، اهمیت و ضرورت ویژه‌ای دارد؛ زیرا زنان با توجه به نقش محوری در خانواده و تعاملات و ارتباطاتی که با سایر اعضای خانواده برقرار می‌کنند، در بسیاری از اوقات، بیشتر از سایر افراد از مسائل و چالش‌های زندگی خانوادگی و تغییرات و مسائل ایجادشده در آن آگاهی دارند. همچنین، وجود شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، که زنان در آن عضویت دارند و اتصالات اجتماعی آنها به گروه‌های زنانه، موجب شده است زنان با به اشتراک گذاشتن تجربیات زندگی روزمره خویش نیز به انباشتی از تجربیات زنانه و تفسیری از مسائل زندگی روزمره به‌ویژه در زمینه خانوادگی دست یابند که در بسیاری از موارد، دربردارنده تفسیرهای ارزشمندی در فهم آسیب‌ها و مسائل اجتماعی خانوادگی است؛ در حالی که در برخی موارد با وجود آگاهی و دانش زندگی روزمره، ممکن است روایت‌های زنان از پدیده‌ها و مسائل زندگی به‌علت تعریف نقش‌های حاشیه‌ای و حضور کمتر آنها در عرصه‌های عمومی و جایگاه مردان در تعریف و بر ساخت مسائل اجتماعی، ناگفته و ناشنیده باقی بماند و گاهی نیز به‌عنوان تجربیاتی بی‌ارزش و بدون ارجاع و استناد به آنها بی‌توجهی شود (طهماسیان و آسیه، ۱۳۹۰). اکثر زنان سرپرست خانوار دچار افسردگی‌های حاد و مزمنی هستند که احساس شادمانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. نتایج بدست آمده در گفت و گو با آن‌ها نشان می‌دهد که اغلب آنان دارای پیشینه و گذشته تلخ و دردناکی بوده‌اند. بیشتر آن‌ها در پاسخ به این سؤال که تعریف-تان از غم و غصه چیست؛ به فقر و آسیب‌های عاطفی و روانی دوران بچگی اشاره داشته‌اند که به تدریج در طول زندگی‌شان وخیم‌تر و ناگوارتر شده است. به گفته این زنان، همسران آن‌ها نیز وضعیتی مشابه با آن‌ها داشته‌اند. بدین ترتیب امکان حرکت و گذر از تنگ دستی هرگز برایشان میسر نشده است (فروغی، ۱۳۸۰). در واقع مشکلات و مسائل آن‌ها نسبت به گذشته به تدریج بیشتر شده است و آن‌ها را با مشکلاتی مثل ازدواج ناموفق و در نهایت مسئولیت بزرگ کردن فرزندانشان مواجه کرده است. این گروه از زنان نه تنها پیش از ازدواج بلکه در ازدواج و پس از آن هم محرومیت را تجربه کرده‌اند و همچنان با آن درگیر هستند. تأکید و تمرکز بر گذشته‌ای تلخ و توأم با محرومیت و پیش‌بینی آینده‌ای مبهم‌تر برای فرزندان، وضعیت روحی و روانی این گروه را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. کشاکش بین گذشته‌ای دردناک و وضعیت نامناسب فعلی، واکنشی جز غم و اندوه، حسرت و افسردگی را به همراه نداشته و شادمانی و امید آن‌ها به تغییر وضعیت را به یأس و ناامیدی تبدیل کرده است (شکاری آلتق، ۱۳۸۴). چه عواملی باعث کاهش یا افزایش آسیب اجتماعی و پیامدهای فرهنگی بروضعیت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد زابل شده است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش پژوهش توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل ۱۴۰۰ نفر مرد و جوان می‌باشد که حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۴۶ نفر برآورد گردید که نمونه‌گیری از طریق روش خوشه‌ای صورت گرفت. پس از هماهنگی‌های لازم با مدیر کمیته امداد شهر زابل با ارائه توضیحات لازم مبنی بر

1. simonz

رازداری پرسشنامه استاندارد آسیب اجتماعی به مددجویان ارائه و پرسشنامه در فهرستی جمع آوری گردید. پرسشنامه سنجش نگرش به آسیب های اجتماعی با هدف بررسی و ارزیابی نگرش پیرامون بعضی از آسیب های اجتماعی در قالب ۴۲ سوال ۵ گزینه ای از کاملا موافق تا کاملا مخالف تهیه و تنظیم شده است. آسیب های اجتماعی که در این پرسشنامه مورد نظر بوده است شامل سرقت- پرخاشگری- مواد مخدر- مسائل جنسی- خودکشی و فرار از خانه بوده است. در تحقیق حاضر، با رجوع به نظر متخصصان و اساتید از روایی ابزار اندازه گیری، در سنجش متغیرهای تحقیق اطمینان حاصل شده است. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ابتدا باید واریانس نمره های هر زیرمجموعه سوالات پرسشنامه و واریانس کل را محاسبه و سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار ضریب آلفا را محاسبه کرد.

$$r_{\alpha} = \frac{J}{J-1} \left(1 - \frac{\sum S_j^2}{S^2} \right)$$

که در آن؛ J ، تعداد پرسشنامه ها؛ S_j^2 ، واریانس زیر آزمون J ام و S^2 ، واریانس کل آزمون است. برای بررسی پایایی پرسشنامه از یک نمونه اولیه با حجم ۳۰ استفاده شده است.

جدول ۱- جدول مقادیر آلفای کرونباخ برای پرسشنامه پژوهش

| پرسشنامه | تعداد سوالات | آلفای کارونباخ |
|--------------|--------------|----------------|
| آسیب اجتماعی | ۴۱ | ۰/۸۲۶ |

همان طور که از داده های جدول بالا مشخص است میزان ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده در تمامی موارد بزرگتر از ۰/۷ است که از اعتبار بالای پرسشنامه حکایت دارد. در این پژوهش برای توصیف مشخصات متغیرها از آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه و انحراف استاندارد مربوط به متغیرهای تحقیق آورده شده، سپس با استفاده از شاخص های آمار استنباطی به تأیید یا رد فرضیات پرداختیم. در این پژوهش رگرسیون مورد استفاده قرار خواهد گرفت و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از پرسشنامه (آسیب اجتماعی) استفاده شده است. در ادامه آمار توصیفی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار می گیرند.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پرسشنامه سبک تبادل

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی | کمترین | بیشترین |
|-------------|---------|--------------|--------|--------|--------|---------|
| طلاق | ۳۴/۰۳ | ۶/۰۶۶ | ۰/۲۶۶ | ۰/۱۳۵ | ۱۸ | ۵۱ |
| اعتیاد | ۱۲/۴۲ | ۲/۴۴۹ | ۰/۳۱۷ | ۰/۳۰۰ | ۷ | ۲۱ |
| تکدگی گری | ۱۳/۴۲ | ۲/۳۲۶ | -۰/۱۳۵ | ۰/۵۷۷ | ۵ | ۱۹ |
| خشونت خانگی | ۱۶/۷۳ | ۳/۱۶۰ | ۰/۲۰۰ | -۰/۳۵۷ | ۸ | ۲۵ |
| آزار جنسی | ۲۴/۸۵ | ۴/۰۰۶ | ۰/۰۶۰ | -۰/۳۱۷ | ۱۴ | ۳۵ |
| تمکن مالی | ۱۰۱/۴۷ | ۱۵/۲۲۴ | ۰/۰۹۱ | ۰/۰۲۹ | ۶۱ | ۱۴۵ |

با توجه به جدول ۲- از بین متغیرهای پرسشنامه آسیب اجتماعی بیشترین امتیاز را متغیر طلاق با میانگین ۳۴/۰۳ و انحراف معیار ۶/۰۶۶ و کمترین امتیاز را متغیر اعتیاد با میانگین ۱۲/۴۲ و انحراف معیار ۲/۴۴۹ کسب کرده است. و شاخص اقتصادی میانگینی برابر با ۱۰۱/۴۷ و انحراف معیار ۱۵/۲۲۴ در جامعه آماری کسب کرده است. خانواده زنان سرپرست خانواده، به شکل

فزاینده ای فقیر تر می شوند. این زنان در مقایسه با سایر زنان، مشکلات روانشناختی بیشتری را تجربه می کنند، البته در ابتدا به مشکلات بسیار جدی روانشناختی بین دو متغیر طلاق و تمکن مالی متفاوت معنی داری وجود ندارد. مشکلات ها و اقتصادی عزت نفس و سلامت روانی این خانواده ها را تحت تاثیر قرار می دهد. در تحقیق مشخص گردید عوامل متعددی بر بروز بی سرپرستی و بد سرپرستی موثر است که از جمله می توان به فوت یا از دست دادن اعضای خانواده، طلاق، وابستگی به مواد اعتیادآور، رها شدن، بروز سوانح طبیعی مانند سیل، زلزله، مهاجرت و جنگ، حمایت های اجتماعی و قانونی ضعیف از جمله این عوامل محسوب میگردد. بی سرپرستی و بد سرپرستی بر زنان و کودکان پیامدهای مختلفی دارد و آن ها را در معرض مشکلات فراوانی قرار می دهد. فقدان یک فرد موثر در زندگی باعث می شود تا افراد از وجود تکیه گاه محکم محروم شده و پیامد آن به شکل بروز مشکلات عصبی و روانی، از دست دادن اعتماد به نفس و کارکرد اجتماعی و بروز مشکلات جسمی نمایان شود. زنان سرپرست خانواده احساس می کنند با نگرش منفی مردان و زنان جامعه روبرو هستند، که این مساله به اثرات مخرب نگرش های منفی اجتماعی نسبت به زنان سرپرست خانواده اشاره دارد. همچنین آنان در تمامی زمینه ها حمایت های اجتماعی کمتری دریافت می کنند

فرضیه تحقیق: بین آسیب اجتماعی و پیامدهای فرهنگی زنان سرپرست خانوار وجود دارد

برای پیش بینی پیامدهای فرهنگی (متغیر وابسته) توسط آسیب اجتماعی (متغیرهای مستقل) از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۴- داده شده است.

جدول ۳- خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون

| گام | مدل | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | آماره F | سطح معناداری | R | R ² | R ² Δ |
|-----|-----------|---------------|------------|-----------------|---------|--------------|-------|----------------|------------------|
| ۱ | رگرسیون | ۱۱۴۲۵/۸۱۳ | ۱ | ۱۱۴۲۵/۸۱۳ | ۷۲/۰۶۶ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۷۸ | ۰/۲۲۸ | ۰/۲۲۸ |
| | باقیمانده | ۳۸۶۸۵/۲۶۰ | ۲۴۴ | ۱۵۸/۵۴۶ | | | | | |
| ۲ | رگرسیون | ۱۳۸۴۴/۲۹۱ | ۲ | ۶۹۲۲/۱۴۶ | ۴۶/۳۸۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۲۶ | ۰/۲۷۶۷ | ۰/۰۴۸ |
| | باقیمانده | ۳۶۲۶۶/۷۸۲ | ۲۴۳ | ۱۴۹/۲۴۶ | | | | | |

گام ۱: متغیر پیش بین: پیامدهای فرهنگی

گام ۲: آسیب اجتماعی

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳- میتوان نتیجه گرفت که پیامدهای فرهنگی، ۲۲/۸ درصد تغییرات آسیب اجتماعی ۴/۸ درصد تغییرات را پیش بینی می کنند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش بین در سطح احتمال ۰/۰۵ معنادار است. این یافته نشان می دهد که این متغیرها به صورت معناداری قادر به پیش بینی کم رویی نوجوانان می باشد. در این جامعه آماری عمده ترین مشکلات زنان سرپرست خانواده، در قالب مشکلات اقتصادی، عدم آمادگی برای اداره امور اقتصادی خانوادگی، نگرش های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانواده، نگرانی نسبت به آینده فرزندان و تعداد و تعارض نقش اظهار می شود. در صورتی که زنان سرپرست خانواده از حمایت های اجتماعی مناسب برخوردار باشند

نتیجه گیری

با توجه نتایج از بین متغیرهای پرسشنامه آسیب اجتماعی بیشترین امتیاز را متغیر طلاق با میانگین ۳/۴۰۳ و انحراف معیار ۶/۰۶۶ و کمترین امتیاز را متغیر اعتیاد با میانگین ۱۲/۴۲ و انحراف معیار ۲/۴۴۹ در جامعه آماری کسب کرده است. و شاخص اقتصادی میانگینی برابر با ۱۰۱/۴۷ و انحراف معیار ۱۵/۲۲۴ کسب کرده است. زن متأهل پس از ازدست دادن شوهرش به هر دلیلی به زن سرپرست خانواده یا خودسرپرست تغییر نقش می دهد؛ به اصطلاح رایج «سایه مرد» روی سرش نیست. شرایط او را ناچار می کند با این نقش جدید سازگاری یابد. سازگاری با نقش سرپرستی و به اصطلاح ایفای نقش «پدر و مادر» برای

فرزندان و «مردبودن» و «زن بودن» همزمان برای زندگی خود، مستلزم تحمل مجموعه‌ای از فشارهای روحی و روانی در تعاملات خانوادگی و اجتماعی است. از یک سو باید سعی در اعمال کنترل جدی‌تر بر فرزندانشان را داشته باشند که در این حالت نیز دشواری‌های خاص و حتی عواقب ناخواسته‌ای را دارد. از سوی دیگر، باید به‌منزله یک نان‌آور خانواده اقدام به فعالیت اقتصادی کند و «خود، نان‌آور زندگی‌اش» شود. او که تاکنون به مرد و منابع مالی او وابسته بوده است، «در بسیاری از موارد مهارت کاسی کردن» ندارد و «نمی‌داند چگونه کاسی کند و پول در بیاورد». در نتیجه دشواری‌های زیادی را متحمل می‌شود که گاه این فشارها بسیار طولانی‌مدت است. این نهادها بیش از هر نهاد دیگری شامل خانواده، اقتصاد، سلامت و آموزش می‌شوند. در بخش‌های پیشین به عناوین مختلف به درگیری آنان با نهاد اقتصاد اشاره شد و در مباحثی همچون کار سخت یا تلاش برای بقا به فعالیت‌های اقتصادی فردی آنها در قالب شغل و کسب درآمد پرداخته شد. در این قسمت تلاش می‌شود دو مقوله استخراج‌شده با عناوین حمایت‌های رسمی دولتی (برگرفته از مفاهیمی همچون رفتن به کمیته با راهنمایی دیگران، کمک‌گرفتن از بهزیستی، وام‌گرفتن از کمیته، حمایت درمانی در بیماری‌ها، حمایت در تحصیل فرزندان، وام خوداشتغالی بهزیستی، مفیدبودن حمایت‌های کمیته یا بهزیستی، نقش زیاد حمایت‌های بهزیستی، کمیته و...) و حمایت‌های غیررسمی مردمی (شامل مفاهیمی همچون کمک‌های مردم، باورهای دینی برای کمک به زنان بی‌سرپرست، کمک‌های ماه رمضان، خیرین شهر، کمک‌های ماهیانه برخی از خانواده‌ها، کمک در اعیاد فطر و قربان، زندگی با کمک‌های مردم، حمایت همسایه‌ها، حمایت‌های نسبی خانواده پدری، حمایت‌های بخور و نمیر، حمایت با اجاره منزل اندک، حمایت در معالجه بیماری‌ها و...) مطرح شوند.

منابع

- شکاری آلانق، رقیه، مطالعه وضعیت رفاهی زنان سرپرست خانوار، کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس. (۱۳۸۴): ۷۵-۴۵
- فروغی، نعیمه، بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار (مطلقه)، کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۳۸۰): ۱۵۰-۹۵
- طهماسیان، کارینه و آسیه اناری؛ «سن، تحصیلات و تعداد فرزندان: زنان سرپرست خانواده و نگرانی نسبت به آینده فرزندان»، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش ملی "زنان سرپرست خانوار"، دانشگاه شهید بهشتی پژوهشکده‌ی خانواده. (۱۳۹۰): ۴۵-۷۵
- شعبان-زاده، افسانه؛ مهدی بهرام آبادی؛ حمیدرضا حاتمی و کیانوش زهراکار. «بررسی رابطه میان سبک مقابله با استرس و حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار شهر تهران»، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی زن و جامعه، زمستان ۱۳۹۲، دوره ۴، شماره ۴ (مسلسل ۱۶)؛ از صفحه ۱ تا صفحه ۲۱.
- نازکتبار حسین، ویسی رضا. وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران. رفاه اجتماعی. ۱۳۸۶؛ ۷ (۲۷): ۹۵-۱۱۴
- نورمحمدی، رقیه، بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان مطلقه سرپرست خانوار، کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۳۸۳): ۱۵-۲۵
- محمدی، زهرا؛ زنان سرپرست خانوار، چاپ اول، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان. (۱۳۸۵): ۴۵-۲۵
- Langlois, J, Fortin, D (1994) 'Singleparentmothers, poverty & mental health: A literature review'. *Sant e-Mental* (1994, 19, 1, spring, 157-173).
- Varley, A. (1996) "Women Heading Households: Some More Equal than others?" *World Development*, 3 (24): 505-520.
- Datta, K. & McIlwaine, C. (2000) "Empowered Leaders"? Perspectives on Women Heading Households in Latin America and Southern Africa." *Gender & Development*, 8 (3): 40-49.